

Examining the relationship between institutional investor inattention, accruals quality and conditional conservatism

Mohamad Mohamadi¹, Shohreh Khaleghi Mohamadi²

Received: January 13, 2024

Accepted: May 10, 2024

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to investigate the relationship between institutional investor inattention, accruals quality and conditional conservatism.

Methodology: This research is applied and correlational. The data used are historical and ex-post and to test the research hypotheses, EViews 10 was used. The statistical population of this research is 438 companies from 2010 to 2019, which were listed during this period, and by applying the systematic elimination method, the number of the research population was reduced to 132 companies (1320 years - companies).

Findings: The findings of the research show that there is a significant negative relationship between institutional investor inattention and conditional conservatism, and there is a significant positive relationship between institutional investor inattention and the low portion of accruals quality. In addition, the relationship between the institutional investor inattention and the low portion of accruals quality (discretionary accrual items) shows that in the case of institutional investor inattention, the amount of optional accrual items (abnormal accrual items) increases and as a result, the earning quality decreases.

Originality: Institutional investor inattention and reducing their supervisory role, abnormal accruals (low portion of accruals quality) will increase and as a result, the earning quality will decrease. If institutional investors use their supervisory position well, they can prevent the presentation of manipulated earnings and dishonest expression.

Keywords: Accruals quality, conditional conservatism, earning quality, institutional investor inattention.

JEL Classification: M11, G24, H19

1. Department of Accounting, Non-profit University, Parandak, Iran. (Corresponding Author). (mkz.mohamadi@amitco.ir)

2. Department of Accounting, Non-profit University, Parandak, Iran.

Cite this paper: Mohamadi, M., Khaleghi Mohamadi, S. (2024). Examining the relationship between institutional investor inattention, accruals quality and conditional conservatism. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 2(1), 111-131. [In Persian]

 <https://doi.org/00.00000/aft.0000.0000000.0000>



بررسی ارتباط بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت اقلام تعهدی و محافظه‌کاری مشروط

محمد محمدی^۱، شهره خالقی محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت اقلام تعهدی محافظه‌کاری مشروط می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع همبستگی است. داده‌های استفاده شده از نوع تاریخی و پس‌رویدادی است و جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۴۳۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است که طی این بازه زمانی عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند، که با اعمال روش حذف نظام‌مند تعداد جامعه پژوهش به ۱۳۲ شرکت (۱۳۲۰ سال - شرکت) تقلیل یافت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش گویای این است که بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی و محافظه‌کاری مشروط رابطه منفی معنادار و بین انحراف توجه سهامداران نهادی و بخش بی‌کیفیت اقلام تعهدی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و بخش بی‌کیفیت اقلام تعهدی (اقلام تعهدی اختیاری) گویای این است که در صورت کم توجهی سهامداران نهادی میزان اقلام تعهد اختیاری (اقلام تعهدی غیر عادی) افزایش یافته و در نتیجه کیفیت سود کاهش می‌یابد.

دانش افزایی: در صورت بی‌توجهی سهامداران نهادی و کاهش نقش نظارتی آنان، اقلام تعهدی غیرنرمال (بخش بی‌کیفیت اقلام تعهدی) افزایش می‌یابد و در نتیجه کیفیت سود کاهش می‌یابد. در صورتی که سهامداران نهادی از جایگاه نظارتی خود به خوبی استفاده کنند، قادر هستند از ارائه سود دستکاری شده و غیرصادقانه ممانعت نمایند.

کلیدواژه‌ها: بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت سود، محافظه‌کاری مشروط.

طبقه‌بندی موضوعی: M11, G24, H19

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد پرندک، دانشگاه غیرانتفاعی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول). (mkz.mohamadi@amitco.ir)

۲. گروه حسابداری، واحد پرندک، دانشگاه غیرانتفاعی، ساوه، ایران.

استناد: محمدی، محمد، و خالقی محمدی، شهره. (۱۴۰۳). بررسی ارتباط بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت اقلام تعهدی و محافظه‌کاری مشروط. حسابداری و شفافیت مالی.

مقدمه

یکی از مهمترین موضوعاتی که در دهه‌های اخیر در خصوص آن پژوهش‌های زیادی انجام شده و همچنان در حال انجام است، کیفیت گزارشگری مالی است (چان^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). در تعاریف وظیفه اصلی حسابداری را گردآوری و تهیه اطلاعات برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان ذکر کرده‌اند و در بیانیه‌های متعدد حسابداری تصریح شده است که وظیفه انتقال اطلاعات مالی لازم جهت اخذ تصمیم‌گیری صحیح استفاده‌کنندگان از طریق تنظیم و ارائه صورت‌های مالی انجام می‌شود که اصطلاحاً گزارشگری مالی خارجی نامیده می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۸۷). بدیهی است هنگامی که وظیفه انتقال اطلاعات به درستی و با دقت کافی انجام شود، می‌توان ادعا کرد که گزارشگری مالی دارای کیفیتی قابل قبول بوده است. از آنجائیکه کیفیت گزارشگری مالی شدیداً تحت تاثیر کیفیت سود قرار دارد، تعریف کیفیت سود دارای اهمیت قابل توجهی می‌باشد. لازم به ذکر است که تاکنون تعریف جامعی از کیفیت سود در ادبیات حسابداری ارائه نشده است (آدرین^۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، ولی می‌توان بیان صادقانه سود را مهمترین تعریف کیفیت سود محسوب نمود (باسو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). منظور از صداقت در بیان سود، عدم دستکاری مغرضانه و جهت‌دار در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها است و چون دستکاری در ارقام سود ناشی از تمایلات مدیریتی می‌باشد، لذا اطمینان از عدم دستکاری سود اهمیت بسیار زیادی دارد.

بر اساس منطق تئوری نمایندگی مدیران تمایل دارند در جهت کسب منافع شخصی، نسبت به عدم ارائه صادقانه سود اقدام نمایند که ضرورت دارد به منظور حفاظت و حراست از منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان بر رفتارهای مدیریت نظارت و مراقبت انجام شود و این مراقبت مستلزم استقرار نظامی کنترلی همراه با سازکارهای موثر موسوم به حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی) می‌باشد. منظور از حاکمیت شرکتی استقرار سازوکارهایی است که استفاده از آنان باعث می‌شود کلیه ذی‌نفعان یک شرکت به منافع خود برسند و حقوق هیچ‌یک از ذی‌نفعان تضییع نشود (گارسیا^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نقش نظارتی سهامداران نهادی است (یل دری^۵، ۲۰۲۰). سهامداران نهادی که معمولاً به سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و غیره گفته می‌شود (بوشی^۶، ۱۹۹۸)، جایگاه ویژه‌ای در بین سهامداران یک شرکت دارند. زیرا معمولاً این سرمایه‌گذاران هم از تخصص و هم از توان سیاسی قابل توجهی برخوردارند و نظارت این بخش از سهامداران می‌تواند بر کنترل رفتار فرصت‌طلبانه مدیران تاثیر بسزایی بگذارد (دجو و دی چاو^۷، ۲۰۰۵). البته در خصوص نقش نظارتی سهامداران نهادی دو فرضیه نظارت موثر و منافع شخصی وجود دارد که منطبق آنان معکوس همدیگر است. در فرضیه نظارت موثر گفته می‌شود که سهامداران نهادی از قدرت و توان خود در جهت جلوگیری و ممانعت از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران استفاده کنند (کوهن^۸ و همکاران، ۲۰۰۸). در فرضیه منافع شخصی ذکر می‌گردد که این سهامداران قدرتمند از توان و اقتدار خود به نحوی استفاده می‌کنند که گزارشگری مالی شرکت‌ها تضمین‌کننده منافع شخصی آنان باشد و نه چیز دیگر

1. Chan

2. Adrian

3. Basu

4. Garcia

5. El Diri

6. Bushee

7. Dichev & Dechow

8. Cohen

(برگستر و فیلیپون^۱، ۲۰۰۶). علاوه بر مطالب ذکر شده باید به استفاده از متغیری به نام انحراف توجه سهامداران نهادی پرداخته شود که استفاده از این متغیر موجب نوآوری پژوهش نیز شده است. منظور از بی‌توجهی سرمایه‌گذاری نهادی این است که گاهی این سهامداران در سبد سرمایه‌گذاری وسیع خود، به سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای بازدهی غیرعادی (چه مثبت و چه منفی) بوده توجه بیش از حد نموده تا دلایل بازدهی غیرعادی مذکور را کشف نمایند و این توجه مازاد به برخی از سرمایه‌گذاری‌ها، موجب بی‌توجهی یا کم‌توجهی به سرمایه‌گذاری‌هایی که بازدهی عادی داشته می‌گردد. این کم‌توجهی سهامداران مذکور، نقش نظارتی آنان را کمرنگ می‌سازد و به تبع آن میدان برای اعمال اراده مدیریت در نحوه ارائه ارقام حسابداری باز می‌شود (بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵).

از آنجائیکه با بررسی پیشینه، انجام پژوهشی مشابه یا حتی پیرامون آن در تحقیقات داخلی یافت نشد، اهمیت این پژوهش آشکار می‌شود، زیرا اهمیت دارد که مشخص شود آیا کم‌توجهی یا بی‌توجهی سهامداران نهادی موجب تنزل کیفیت سود می‌شود یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سود حسابداری همواره از مهمترین اطلاعاتی است که به استفاده‌کنندگان گزارش می‌شود (یل دری، ۲۰۲۰). از آنجائیکه سود حسابداری مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان است، طبیعتاً کیفیت سود حسابداری نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است (آدرین و همکاران، ۲۰۲۰). اما مسئله‌ای که اذهان را در این خصوص مشغول می‌نماید این است که ماهیت کیفیت سود چیست و چگونه باید آن را تعریف کرد. با بررسی ادبیات حسابداری باید اذعان شود که تعریف جامع و کاملی از کیفیت سود تاکنون ارائه نشده است (ولی زاده و همکاران، ۱۴۰۲)، زیرا طیف استفاده‌کنندگان از سود حسابداری بسیار وسیع بوده و نیازهای اطلاعاتی متفاوتی دارند. عده‌ای کیفیت سود را بیان صادقانه آن تعریف نموده (باسو و همکاران، ۲۰۱۹) و عده‌ای نزدیکی سود حسابداری به سود اقتصادی را معادل کیفیت سود محسوب می‌کنند (دیا^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). جمع‌بندی تمام نظریه‌های مختلف درباره ماهیت و تعریف کیفیت سود به این ختم می‌شود که چنانچه در محاسبه سود حسابداری، اصول و استانداردهای حسابداری رعایت شده باشد، می‌توان ادعا کرد که سود از کیفیت قابل قبولی برخوردار بوده و در تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان می‌تواند مفید واقع شود. مشکل اصلی که احتمال نداشتن کیفیت سود را تقویت می‌نماید، این است که سود حسابداری توسط مدیریت شرکت محاسبه می‌گردد که تصمیمات عملیاتی شرکت را نیز اتخاذ می‌نمایند. چنانچه به دلایلی مدیران شرکت‌ها تصمیمات نامناسبی در حین عملیات و اداره شرکت‌ها اتخاذ کرده باشند، طبیعی است که تمایل ندارند آثار تصمیمات نادرست خود را به اطلاع استفاده‌کنندگان خارجی و خصوصاً سهامداران نهادی برسانند و در نتیجه تلاش می‌کنند با دستکاری در ارقام حسابداری و خصوصاً سود، حقایق ناخوشایند را از دید آنان مخفی نمایند (ودیدی و همکاران، ۱۳۹۷).

در تئوری نمایندگی ذکر می‌شود که به طور طبیعی بین منافع مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان تضاد ایجاد شده

^۱. Bergstresser & Philippon

^۲. Ball & Shivakumar

^۳. Dai

و به تدریج این تضاد منافع شدت می‌گیرد. مدیران به دلیل داشتن قدرت و اختیارات بسیار زیاد سعی می‌کنند با انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه، منافع خود را حداکثر نموده که این عمل منجر به تضییع حقوق سایر ذی‌نفعان می‌گردد (دچو و دی چاو، ۲۰۰۵). طبیعتاً هرچه مشکلات نمایندگی بیشتر شود، احتمال کاهش کیفیت گزارشگری مالی و خصوصاً کاهش کیفیت سود بیشتر قوت می‌گیرد. کاهش کیفیت سود (از طریق دستکاری در ارقام سود) همواره منافع کلیه ذی‌نفعان را تهدید نموده و باعث به خطر افتادن امنیت سرمایه‌گذاری سهامداران می‌شود. طبیعتاً باید برای برطرف کردن نگرانی سهامداران تدابیر خاصی اتخاذ گردد که به کمک این تدابیر و روش‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت رصد و کنترل گردد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲).

به مجموعه سازوکارهای کنترل‌کننده رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت اصطلاحاً حاکمیت شرکتی یا نظام راهبری شرکتی می‌گویند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۰). با استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی سعی می‌شود منافع کلیه ذی‌نفعان تامین شده و سلامت گزارشگری مالی تحقق یابد. یکی از موثرترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی نقش نظارتی سهامداران نهادی است (چان^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). سهامداران نهادی معمولاً از اشخاص حقوقی نظیر بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری که درصد قابل توجهی در سایر شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند تشکیل شده و ضمناً این موسسات هم دارای توان و اقتدار سیاسی و هم دارای دانش کافی تخصصی می‌باشند و به همین دلیل اهرم نظارتی قدرتمندی جهت رصد و کنترل رفتار مدیران محسوب می‌گردد (چان و همکاران، ۲۰۲۱). در خصوص نقش نظارتی سهامداران نهادی بر رفتارهای مدیریتی دو نظریه متضاد نظارت موثر و منافع شخصی وجود دارد. در نظریه نظارت موثر گفته می‌شود که چون سهامداران نهادی هم توان سیاسی کافی و هم دانش مالی و اقتصادی کافی دارند، از این توان ویژه خود در جهت اعمال مراقبت بر مدیریت استفاده نموده و مانع از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه آنان می‌شوند. این جلوگیری و ممانعت از فرصت‌طلبی مدیران منجر به حراست از کیفیت سود شده و احتمالاً سود دستکاری نشده می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های ذی‌نفعان مفید واقع گردد. در نظریه منافع شخصی معکوس مطالب فوق عنوان می‌گردد. یعنی طبق نظریه منافع شخصی ادعا می‌گردد که سهامداران نهادی از قدرت، تخصص و اقتدار خود به نحوی استفاده می‌کنند که گزارشگری مالی با منافع آنان تضاد نداشته باشد و سود گزارش شده در راستای تامین منافع شخصی آنان باشد. اینکه کدام یک از نظریه‌های ذکر شده واقع‌بینانه‌تر است، به محیط اقتصادی سرمایه‌گذاری بستگی دارد و نسخه واحدی در این خصوص وجود ندارد. علاوه بر مطالب گفته شده، در اینجا باید به نکته خاصی اشاره شود که اصطلاحاً انحراف توجه سهامداران نهادی نامیده می‌شود و به تازگی این پدیده مورد توجه محققین مالی و حسابداری قرار گرفته است و در این پژوهش نیز استفاده از آن موجب نوآوری پژوهش شده است. انحراف توجه سهامداران نهادی به این مطلب اشاره می‌نماید که سهامداران نهادی که معمولاً دارای سبد سرمایه‌گذاری گسترده‌ای هستند، در کوتاه‌مدت معمولاً به سرمایه‌گذاری‌هایی توجه زیادی می‌نمایند که دارای بازده غیرعادی (مثبت یا منفی) بوده و در خلال توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی با بازده غیرعادی، از بذل توجه کافی به سرمایه‌گذاری‌هایی که بازده غیرعادی نداشتند و دارای بازده نرمال بودند ناآگاه هستند و این انحراف توجه باعث می‌شود اعمال نفوذ و کنترل موثر بر مدیریت شرکت‌های دارای بازده عادی و نرمال در کوتاه‌مدت انجام نشود یا فشار سرمایه‌گذاران نهادی بر مدیریت این شرکت‌ها (در دوره

^۱. Chan

کوتاه مدت) کم اثر شود (پیوسیک و گنج^۱، ۲۰۲۰). برای توضیح نحوه محاسبه متغیر نظارت سرمایه‌گذاران نهادی به مثال زیر توجه نمایید: فرض کنید یک سرمایه‌گذار نهادی دارای دو سرمایه‌گذاری عمده در دو صنعت متفاوت بانک و داروسازی می‌باشد. هنگامی که صنعت داروسازی به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژی یک بازده غیرعادی بسیار بالایی را تجربه می‌کند، سرمایه‌گذار نهادی انگیزه‌هایی برای تخصیص زمان و تلاش بیشتری برای درک کامل دلایل بازدهی پیشرفت‌های فناوری در صنعت داروسازی دارد و با توجه به اینکه توجه و تلاش سرمایه‌گذار منبعی محدود است (لیو^۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، لذا بانک کمتر مورد توجه سرمایه‌گذار نهادی قرار می‌گیرد و طبیعتاً سرمایه‌گذار نهادی زمان کمتری از اوقات تحلیل‌گران خود را صرف رصد و تحلیل داده‌های بانک می‌نماید که اصطلاحاً باعث انحراف توجه سرمایه‌گذار نهادی می‌گردد.

گارل^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود آمریکا طی بازه زمانی ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۶ با استفاده از رگرسیون چندمتغیره پرداختند. نتایج نشان داد که مدیران شرکت‌های سرمایه‌پذیر هنگامی که به طور موقت توجه سرمایه‌گذاران نهادی آنان منحرف می‌شود نسبت به مدیریت سود افزایشی اقدام می‌نمایند. همچنین نتایج این پژوهش گویای آن است که مدیران شرکت‌های نمونه مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی بیشتری نسبت به مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی انجام می‌دهند و مدیریت سود شرکت‌ها نه تنها به درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بلکه به میزان توجه آن‌ها نیز بستگی دارد.

چان و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار آمریکا طی بازه زمانی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۶ پرداختند. آن‌ها با استفاده از ۳ معیار نوع اظهارنظر حسابرس، گزارش نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و وقوع تحریف‌های بااهمیت حسابداری کیفیت حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج آن‌ها نشان داد هنگامی که توجه سرمایه‌گذاران نهادی منحرف می‌شود کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز کاهش می‌یابد. همچنین آن‌ها بیان کردند که نقش ریسک دعاوی قضایی حسابرس، فشار حجم کاری، تخصص حسابرس در صنعت و پوشش تحلیلگر در کاهش ارتباط منفی بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت حسابرسی موثر است.

پیوسیک و گنج (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار مالکیت (تمرکز مالکیت، مالکیت مدیریتی و حضور سرمایه‌گذاران نهادی) بر شیوه‌های مدیریت سود واقعی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار ورشو در لهستان پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که ساختار مالکیت از جمله حضور سرمایه‌گذاران نهادی، تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی مدیریت سود شرکت را به حداقل می‌رساند و در نتیجه شفافیت گزارشگری مالی را به حداکثر می‌رساند.

تام^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به مقایسه کیفیت سود و گزارشگری مالی توسط شرکت‌های موجود در بخش دولتی و خصوصی موجود در بورس ویتنام پرداختند. نتایج آنان در یک نمونه همسان نشان داد که در شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی کمتر نسبت به دستکاری سود می‌پردازند. به عبارت دیگر کیفیت سود در شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی بالاتر است.

¹. Piosik & Genge

². Liu

³. Garel

⁴. Tam

باسو و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره به بررسی ارتباط بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و افشای داوطلبانه شرکت‌ها طی بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی باعث کاهش افشای داوطلبانه شرکت‌ها به طور موقت خواهد شد.

کمپف^۱ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و اقدامات شرکتی در بازار بورس اوراق بهادار آمریکا طی بازه زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۰ پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد هنگامی که توجه سرمایه‌گذاران نهادی منحرف می‌شود، احتمال کمتری دارد که مدیرعامل شرکت سرمایه‌پذیر را به دلیل عملکرد بد آن برکنار کنند و بازده سهام آن کاهش می‌یابد.

سعیدی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی اثر مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت گزارشگری مالی (آزمون فرضیه نظارت کارا) پرداختند. در این پژوهش که از معیار کیفیت ارقام تعهدی برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است، نتایج آن‌ها نشان داد که مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت ارقام تعهدی تاثیر ندارد و تمرکز مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت ارقام تعهدی ارتباط منفی و معناداری دارد.

پورحیدری و همکاران (۱۴۰۰) به مطالعه بررسی ارتباط میان ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که بین اندازه هیئت مدیره و محافظه‌کاری در حسابداری تاثیر مثبت و معناداری وجود ندارد، اما میان استقلال هیئت مدیره، کیفیت حسابرسی، مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های آنان نشان داد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط منفی و معناداری میان مالکیت دولتی و روابط سیاسی با محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد.

شمس‌الدینی و نعمتی (۱۴۰۰) به بررسی ارتباط بین پایداری مالکیت نهادی و مدیریت سود با در نظر گرفتن اهرم مالی شرکت پرداختند. نتایج آنان نشان داد که بین مالکیت نهادی و مدیریت سود رابطه معکوسی وجود دارد، ولی تغییرات اهرم مالی رابطه معناداری با متغیرهای پایداری مالکیت نهادی و مدیریت سود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

کنترل رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت جهت حفظ و حراست از کیفیت سود حسابداری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (وارد^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). مدیران به طور طبیعی تمایل دارند با اهرم‌های در اختیار خود نظیر استفاده از ارقام تعهدی مثبت، سود را به شکل افزایشی دستکاری کنند تا از طریق ایجاد و ارائه ارقام تعهدی بی‌کیفیت پاداش خود را حداکثر نمایند. طبیعتاً دستکاری افزایشی سود از طریق ارقام تعهدی موجب بی‌کیفیتی سود می‌شود و خاصیت سودمندی آن را در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان زایل می‌نماید. محافظه‌کاری در حسابداری به طور طبیعی تمایلات افزایش‌دهندگی سود توسط مدیران را خنثی نموده و در نتیجه موجب ارتقای کیفیت سود می‌گردد. به عبارت دیگر استفاده از مشی محافظه‌کارانه در محاسبه سود، موجب تنگ شدن فضا برای دستکاری افزایشی ارقام تعهدی و سود

^۱. Kempf

^۲. Ward

می‌گردد (شو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). اهرمی که استفاده از آن باعث می‌شود مدیران مجبور به استفاده از مشی محافظه‌کارانه شوند، نقش نظارتی سهامداران نهادی است و طبیعتاً کم توجهی یا بی‌توجهی سهامداران نهادی باعث می‌شود مدیران به سمت دستکاری افزایشی اقلام تعهدی و سود متمایل شده و از پیروی از مشی محافظه‌کارانه تمکین نمایند. با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیه اول: بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی و محافظه‌کاری مشروط به روش باسو و همکاران (۲۰۱۹) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی و محافظه‌کاری مشروط به روش بال و شیواکومار (۲۰۰۵) ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی به روش دچو و دی چاو (۲۰۰۵) ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین بی‌توجهی سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی به روش مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) ارتباط معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ رابطه بین متغیرها، پژوهشی توصیفی و از نوع همبستگی است. داده‌ها و اطلاعات به کار رفته از نوع تاریخی و پس‌رویدادی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین ۳ و جهت آزمون داده‌ها پژوهش از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۴۳۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹ است که طی این بازه زمانی عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند، که با اعمال شرایطی تعداد نمونه‌های پژوهش به ۱۳۲ شرکت (۱۳۲۰ سال - شرکت) تقلیل یافت. لازم به ذکر است بر حسب ضرورت برخی از داده‌های سال $t-1$ نیز مورد استفاده قرار گرفتند. غربالگری جامعه آماری با استفاده از روش حذفی (سیستماتیک) صورت گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا تمام شرکت‌هایی که طی این بازه زمانی عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند انتخاب گردیدند، سپس شرکت‌هایی که فاقد شرایط زیر می‌باشند، حذف شده و در پایان کلیه شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:

- (۱) شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به پایان اسفندماه ختم می‌شود.
- (۲) در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.
- (۳) شرکت‌ها باید در طول سال مالی تداوم فعالیت داشته باشند.
- (۴) به علت همگن شدن نمونه، شرکت‌های موجود جزء صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نباشند.
- (۵) شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد.

با توجه به منطق به کار گرفته شده در تدوین فرضیه‌های پژوهش، مدل اصلی پژوهش (رابطه‌های ۷ و ۸) از نوع رگرسیون چند متغیره است و ضمناً رابطه‌های ۱ تا ۴ نیز به ترتیب برای تخمین داده‌های محافظه‌کاری مشروط و کیفیت ارقام تعهدی استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم به روش باسو و همکاران (۲۰۱۹) و بال و شیواکومار (۲۰۰۵) از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$ACC = \beta_0 + \beta_1 \text{Investor Distraction}_{i,t} + \beta_2 \text{Market to book}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Age}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{IO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

برای آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم به روش دجو و دی چاو (۲۰۰۵) و روش مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) مدل زیر استفاده می‌شود:

$$ACC = \beta_0 + \beta_1 \text{Investor Distraction}_{i,t} + \beta_2 \text{Market to book}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Age}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{Sales Growth}_{i,t} + \text{CFO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

لازم به ذکر است که این مدل‌ها هر کدام دو بار با داده‌های مختلف محافظه‌کاری مشروط و کیفیت ارقام تعهدی اجرا می‌شود تا فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار دهد. ضمناً کلیه متغیرهای به کار رفته در جدول ۱ تعریف شدند.

متغیرهای وابسته

در این پژوهش مانند پژوهش‌های گارسیا و همکاران (۲۰۰۹)، حسینی و رازانی (۱۳۹۴) و مشکی میاوقی و محمدی (۱۳۹۸) از محافظه‌کاری مشروط جهت سنجش کیفیت سود استفاده شده است. برای برآورد محافظه‌کاری مشروط از دو روش باسو و همکاران (۲۰۱۹) و بال و شیواکومار (۲۰۰۵) استفاده شده است. لازم به ذکر است در مدل باسو و همکاران (۲۰۱۹) مقدار ضریب β_3 و در مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۵) ضریب α_3 نشان‌دهنده محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. رابطه‌های ۳ و ۴ که به ترتیب مربوط به مدل باسو و همکاران (۲۰۱۹) و بال و شیواکومار (۲۰۰۵) می‌باشند به صورت‌های زیر محاسبه می‌شوند:

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{i,t} + \beta_2 RET_{i,t} + \beta_3 DR_{i,t} * RET_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در این مدل:

$EPS_{i,t}$: سود هر سهم شرکت i در سال t

$P_{i,t-1}$: قیمت بازار سهام برای شرکت i در سال $t-1$.

$DR_{i,t}$: یک متغیر مصنوعی که هنگامی که بازده سهام منفی باشد عدد یک و غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

$RET_{i,t}$: بازده بازار سهام شرکت i در سال t می‌باشد. بازده کل سهام از دو بخش جریان‌ات نقدی و تغییرات قیمت تشکیل شده است که در این پژوهش جز تغییرات قیمتی مدنظر می‌باشد که برای محاسبه آن، قیمت سهام ابتدای دوره از قیمت سهام انتهای دوره کسر و حاصل را بر قیمت ابتدای دوره تقسیم می‌گردد.

بال و شیواکومار (۲۰۰۵) از مدل ساده ارقام تعهدی جریان‌های نقد با هدف متمایز نمودن نقش ارقام تعهدی در شناخت به موقع زیان‌ها استفاده نمودند. در حالت محافظه‌کار بودن سود خالص، پیش‌بینی می‌شود که جریان‌های

نقدی منفی با کاهش در اقلام تعهدی همراه باشد. این مدل محافظه کاری مشروط حسابداری را اندازه گیری می نماید و به صورت زیر می باشد:

$$ACC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 DCFO_{i,t} + \alpha_2 CFO_{i,t} + \alpha_3 DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در این مدل:

$ACC_{i,t}$: اقلام تعهدی شرکت i در سال t برابر است با سود عملیاتی منهای جریان نقدی حاصل از عملیات، تقسیم بر جمع دارایی های ابتدای دوره.

$DCFO_{i,t}$: یک متغیر مجازی است که در صورت منفی بودن جریان های نقدی عملیاتی شرکت یک و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد.

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t تقسیم بر دارایی های ابتدای دوره.

کیفیت اقلام تعهدی

جهت اندازه گیری کیفیت اقلام تعهدی از دو روش دچو و دی چاو (۲۰۰۵) و مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده شده است. که نحوه اندازه گیری آن ها در رابطه های ۵ و ۶ آورده شده است. کیفیت اقلام تعهدی به روش دچو و دی چاو (۲۰۰۵) به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\frac{WCA_{i,t}}{Ave\ Assets_{i,t}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{CFO_{i,t-1}}{Ave\ Assets_{i,t}} + \beta_2 \frac{CFO_{i,t}}{Ave\ Assets_{i,t}} + \beta_3 \frac{CFO_{i,t+1}}{Ave\ Assets_{i,t}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$WCA_{i,t}$: اقلام تعهدی سرمایه در گردش می باشد که به صورت زیر محاسبه خواهد شد:

[(تسهیلات کوتاه مدت - بدهی جاری) - (سرمایه گذاری کوتاه مدت + وجه نقد) - دارایی جاری] = اقلام تعهدی سرمایه در گردش

$Ave\ Assets_{i,t}$: میانگین دارایی های شرکت طی ۲ سال

$CFO_{i,t-1}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال $t-1$.

$CFO_{i,t+1}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال $t+1$.

در این رابطه مقدار باقی مانده مدل گویای اقلام تعهدی بی کیفیت می باشد. ضمناً در رابطه ۶ نیز برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری (اقلام تعهدی بی کیفیت) از مدل رگرسیون زیر استفاده می شود که در آن جز باقیمانده معادله رگرسیون (ε) بیانگر اقلام تعهدی اختیاری (بخش بی کیفیت اقلام تعهدی) است. رابطه مذکور به مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) شهرت دارد که به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\frac{TAccr_t}{Assets_{t-1}} = \alpha + \beta_0 \frac{1}{Assets_{t-1}} + \beta_1 \frac{(\Delta Sales_t - \Delta REC_{i,t})}{Assets_{t-1}} + \beta_2 \frac{PPE_t}{Assets_{t-1}} + \beta_3 ROA_t + \beta_4 Sales\ Growth_t + \beta_5 CFO_t + \varepsilon_t \quad \text{رابطه (۶)}$$

متغیر مستقل

متغیر اصلی مورد توجه این پژوهش که برای اولین بار از آن در پژوهش های داخلی استفاده گردیده انحراف توجه سرمایه گذاران نهادی است. انحراف توجه به این معناست که چنانچه یک سرمایه گذار نهادی که قبلاً در مجموعه ای از اوراق سهام صنایع مختلف سرمایه گذاری کرده است، امکان دارد در اثر بروز یک رویداد غیرعادی مانند بازده بسیار

بالا یا بسیار پایین سهام صنعت بخصوصی، توجه این سرمایه‌گذار نهادی از سایر اوراق سهام سرمایه‌گذاری شده بطور موقت و در یک دوره زمانی کوتاه منحرف شود. برای ایجاد معیار انحراف توجه سرمایه‌گذار نهادی در سطح شرکت، از مدل کمپف و همکاران (۲۰۱۷) استفاده شده است. طبق این مدل بطور طبیعی فرض بر این است که توجه سرمایه‌گذاران نهادی به سمت شرکت‌ها و صنایعی جلب می‌شود که دارای عملکردی غیرعادی (بیش از حد قوی یا بیش از حد ضعیف) بوده و از بذل توجه کافی نسبت به شرکت‌هایی که دارای بازدهی نرمال بوده‌اند غفلت می‌کنند و سپس با جمع درصدهای سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران نهادی شرکت، در صنایعی که بیشترین یا کمترین بازدهی را داشته‌اند و ضرب آن در درصد سرمایه‌گذار نهادی شرکت نمونه میزان انحراف توجه سرمایه‌گذار نهادی در سطح شرکت نمونه محاسبه می‌شود.

فرایند محاسبه عملیاتی متغیر انحراف توجه سهامداران نهادی به شرح زیر است:

فرض کنید که شرکت f دارای دو سرمایه‌گذار نهادی i و j می‌باشد و این سرمایه‌گذاران نهادی علاوه بر سرمایه‌گذاری در شرکت f در شرکت‌های دیگری که در صنایع متفاوتی فعالیت می‌نمایند، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (در این پژوهش شرکت‌های مورد پژوهش به ۱۲ صنعت فاما و فرنچ تقسیم شده‌اند. در این حالت در یک بازه زمانی مشخص q (فصل) مقدار انحراف توجه سرمایه‌گذار نهادی i در شرکت f به این ترتیب محاسبه می‌شود که ابتدا درصد سرمایه‌گذاری سهامدار نهادی i در شرکت‌های شاغل در صنایع دارای بازدهی غیرنرمال (چه مثبت و چه منفی) را جمع نموده و در درصد سرمایه‌گذاری سهامدار نهادی i در شرکت f ضرب می‌شود و در نتیجه مقدار انحراف توجه سهامدار نهادی i در شرکت f محاسبه شده و سپس با همین روش مقدار انحراف توجه سهامدار نهادی j در شرکت f نیز محاسبه گردیده و باجمع دو مقدار انحراف توجه، کل انحراف توجه شرکت f محاسبه می‌شود. که با استفاده از رابطه ۷ میزان انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی شرکت f محاسبه می‌شود:

$$Distraction_{fq} = \sum_{i \in F_{q-1}} \sum_{ind \neq indf} W_{ifq-1} \times W_{iq-1}^{IND} \times IS_q^{IND} \quad \text{رابطه (۷)}$$

در این رابطه مجموع حاصلضرب $W_{iq-1}^{IND} \times IS_q^{IND}$ نشان می‌دهد که به چه میزان توجه سرمایه‌گذار نهادی i به صنعتی که بالاترین بازده و کمترین بازده را داشته منحرف شده است. با توجه به اینکه میزان توجه به هر شرکت سرمایه‌پذیر در سبد سرمایه‌گذار نهادی، تابعی از درصد مالکیت سرمایه‌گذار نهادی و میزان ارزش بازار شرکت سرمایه‌پذیر می‌باشد در این پژوهش نیز به جهت محاسبه دقیق‌تر متغیر انحراف توجه سرمایه‌گذار نهادی در هر شرکت از معیار وزن نیز بهره گرفته شده است. بدین منظور با استفاده W_{ifq-1} محاسبه می‌شود که وزن شرکت f در سبد سرمایه‌گذار نهادی i در $q-1$ (فصل قبل) چه مقدار می‌باشد که برای این اندازه‌گیری از رابطه ۸ استفاده شده است:

$$W_{ifq-1} = \frac{QPWeight_{ifq-1} + QPercOwn_{ifq-1}}{\sum_{l \in F_{q-1}} (QPWeight_{lfq-1} + QPercOwn_{lfq-1})} \quad \text{رابطه (۸)}$$

با توجه به اینکه متغیرهای مدل پژوهش به صورت سالانه می‌باشند، جهت هموارسازی داده‌ها میانگین چهار فصل انحراف توجه سهامداران نهادی هر شرکت استفاده شده است. ضمناً شرح متغیرهای به کار رفته در رابطه‌های فوق در جدول ۱ تشریح شده است.

جدول ۱. تعریف متغیرهای مدل های پژوهش

متغیر	نماد	نحوه محاسبه متغیرها
وابسته	CC	محافظه‌کاری مشروط
	ACC	کیفیت اقلام تعهدی
	ROA_t	بازده دارایی‌ها که از تقسیم سود خالص به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
	$Market\ to\ book_{i,t}$	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری که از تقسیم ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری محاسبه می‌گردد
	$Sales\ Growth_{i,t}$	رشد فروش که از تقسیم تغییرات فروش نسبت به فروش سال قبل محاسبه می‌شود
کنترلی	$Size_{i,t}$	اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی دارایی‌ها در پایان سال محاسبه می‌شود
	$Age_{i,t}$	سن شرکت که از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های سپری شده از زمان ثبت شرکت محاسبه می‌شود
	$IO_{i,t}$	درصد مالکیت سهامداران نهادی که از جمع درصد مالکیت نهادی شرکت به کل درصد سهام شرکت محاسبه می‌گردد.
	$Distraction_{fq}$	انحراف توجه سهامداران نهادی
	$i \in Fq-1$	سهامداران نهادی شرکت f در پایان فصل قبل
	$INDf$	صنعت شرکت f
	IND	۱۲ صنعت فاما و فرنچ
	W_{iq-1}^{IND}	وزن صنعت در پرتفوی سرمایه‌گذار i در سه ماهه قبل
مستقل	IS_q^{IND}	صنعتی که بالاترین و پایین‌ترین بازده را در فصل جاری دارد مقدار ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد
	W_{ifq-1}	وزن میزان سرمایه‌گذار نهادی i در شرکت f در فصل قبل
	$QPWeight_{ifq-1}$	وزن ارزش بازار شرکت f در سبد سهام سرمایه‌گذار نهادی i
	$QPercOwn_{ifq-1}$	درصدی از سهام شرکت f که متعلق به سرمایه‌گذار نهادی i است

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ نمایش داده شده است. مطابق با نتایج بدست آمده بازده دارایی‌ها کمترین و درصد سهامداران نهادی بیشترین انحراف از میانگین را دارد. به بیان دیگر، بازده دارایی‌ها متمرکزتر و از دقت بیشتری برخوردار است. میانگین درصد مالکیت سهامداران نهادی برابر ۶۱/۹۳ است؛ یعنی به طور متوسط حدود ۶۲ درصد مالکیت شرکت‌های مورد پژوهش را سهامداران نهادی تشکیل می‌دهند. بالاترین میزان متغیر انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی برابر ۹۸/۳۳ است؛ یعنی حدود ۹۸ درصد توجه سهامداران نهادی شرکت به صنایعی که دارای بازدهی غیرعادی بوده‌اند منحرف شده است و کمترین میزان آن برابر صفر است؛ یعنی توجه سهامداران نهادی شرکت به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در صنایع با بازدهی غیرعادی منحرف نشده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی	۱۱/۹۴۳	۶/۳۹۱	۹۸/۳۳۵	۰/۰۰۰	۱۳/۵۸۷
درصد سهامداران نهادی	۶۱/۹۳۲	۶۸/۲۳۰	۹۸/۷۱۸	۰/۰۰۰	۲۴/۷۳۷
نسبت ارزش بازار به دفتری	۳/۹۷۵	۲/۶۵۸	۲۵/۹۲۶	۰/۴۱۰	۴/۱۸۰
اندازه شرکت	۱۴/۵۸۴	۱۴/۳۶۳	۲۰/۷۶۹	۱۰/۳۵۲	۱/۶۶۲
سن شرکت	۳/۶۶۴	۳/۷۶۱	۴/۲۴۸	۲/۴۸۵	۰/۳۶۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۲۶	۰/۱۰۶	۰/۴۱۹	-۰/۱۷۵	۰/۱۲۶
رشد فروش	۱۱/۹۴۳	۰/۲۴۰	۷/۸۱۶	-۰/۹۳۱	۰/۵۹۹
جریان‌های نقد عملیاتی	۶۱/۹۳۲	۰/۱۱۰	۱/۱۴۸	-۰/۵۶۲	۰/۱۵۶

قبل از تخمین داده‌ها، ابتدا باید با اجرای آزمون‌های F لیمر و هاسمن، الگوی مناسب تخمین هر مدل مشخص شود؛ نتایج این آزمون‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود. در مورد مدل پژوهش معنادار نبودن آزمون‌های چاو نشان می‌دهد که داده‌های یاد شده با استفاده از تخمین الگوی داده‌های ترکیبی با رویکرد تلفیقی برآورد شده‌اند.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن	
	آماره	معناداری	آماره	معناداری
فرضیه ۱	۳/۰۸۷	۰/۰۰۰	۶۹/۵۳۷	۰/۰۰۰
فرضیه ۲	۲/۲۸۲	۰/۰۰۰	۹۷/۳۵۶	۰/۰۰۰
فرضیه ۳	۱/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۵۸/۶۷۹	۰/۰۰۰
فرضیه ۴	۱/۶۴۹	۰/۰۰۰	۲۱۱/۷۳۷	۰/۰۰۰

مقدار احتمال F در فرضیه‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ کمتر از ۵ درصد است بنابراین مدل دارای اثرات ثابت یا تصادفی می‌باشد که می‌بایست آزمون هاسمن انجام شود. طبق نتایج آزمون هاسمن مقدار احتمال فرضیه‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ کمتر از ۵ درصد است. بنابراین روش ارجح، استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت جهت داده‌های پژوهش می‌باشد. به منظور نرمال بودن جملات خطا مطابق با جدول ۴، از آماره جارک - برا استفاده شده است. با توجه به اینکه نتایج بدست آمده فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جملات خطا در تمامی فرضیه‌ها مورد قبول واقع شده است. بنابراین مانده‌های بدست آمده نرمال می‌باشند.

جدول ۴. نتایج آزمون نرمالیتی

فرضیه	نوع آزمون	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه ۱	جارک - برا	۳/۰۳۴	۰/۱۵۴	قبول فرضیه نرمال
فرضیه ۲	جارک - برا	۲/۱۰۳	۰/۳۰۰	قبول فرضیه نرمال
فرضیه ۳	جارک - برا	۲/۲۴۰	۰/۲۳۳	قبول فرضیه نرمال
فرضیه ۴	جارک - برا	۱/۸۷۳	۰/۳۹۸	قبول فرضیه نرمال

در این پژوهش مطابق با جدول ۵ برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس از آزمون بروش - پاگان استفاده شده است. طبق این آزمون اگر آماره آزمون بدست آمده کمتر از ۵ درصد باشد فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود و مدل دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد که طبق نتایج بدست آمده فرضیه‌های پژوهش فاقد ناهمسانی واریانس هستند. همچنین برای بررسی عدم خودهمبستگی در نتایج بدست آمده از آزمون بروش گادفری استفاده شده است که فرض صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی می‌باشد و با توجه به آماره بدست آمده فرض صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی رد نشده است.

جدول ۵. نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

فرضیه	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن	
	آماره	معناداری	نتیجه آزمون	معناداری
فرضیه ۱	۰/۲۵۸	۰/۷۸۲	همسانی واریانس	۱/۵۹۶
فرضیه ۲	۰/۵۲۲	۰/۶۰۳	همسانی واریانس	۱/۹۷۵
فرضیه ۳	۰/۵۳۸	۰/۴۸۱	همسانی واریانس	۰/۳۲۷
فرضیه ۴	۰/۶۱۲	۰/۴۵۴	همسانی واریانس	۰/۱۸۳
			عدم خود همبستگی	۰/۱۶۹
			عدم خود همبستگی	۰/۲۱۳
			عدم خود همبستگی	۰/۷۱۰
			عدم خود همبستگی	۰/۸۳۷

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

مطابق با جدول ۶، با توجه به مقدار آماره $F(3/543)$ و سطح خطای آن $(0/000)$ ، می‌توان بیان کرد که در مجموع، الگو پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای الگو که برابر ۲۰ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، بیش از ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. با توجه به مقدار آماره دورین واتسون که تقریباً برابر $1/704$ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۳/۲۹۵	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۱/۷۹۲	۰/۰۷۳
سن شرکت	۰/۱۰۲	۰/۰۳۱	۳/۳۱۴	۰/۰۰۱
نسبت ارزش بازار به دفتری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۲/۰۰۹	۰/۰۴۵
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۸۱۸	۰/۰۶۹
درصد سهامداران نهادی	۰/۰۲۴	۰/۰۴۱	۰/۵۷۴	۰/۵۶۶
ضریب ثابت	-۰/۵۵۸	۰/۱۵۴	-۳/۶۱۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین			۰/۲۹۱	
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۰۹	
آماره F			۳/۵۴۳	
احتمال آماره F			۰/۰۰۰	
آماره دورین واتسون			۱/۷۰۴	

فرضیه اول، بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و محافظه‌کاری مشروط به روش باسو و همکاران (۲۰۱۹) رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج فرضیه اول، ضریب انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی برابر $0/002-$ و سطح معناداری برابر $0/000$ بدست آمده است، ضریب منفی انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی نشان می‌دهد هنگامی که توجه سرمایه‌گذار نهادی از شرکت سرمایه‌پذیر منحرف شود، محافظه‌کاری مشروط در گزارش سود مدیریت کاهش خواهد یافت که نتایج این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

مطابق با جدول ۷، با توجه به مقدار آماره $F(1/612)$ و سطح خطای آن ($0/000$)، می‌توان بیان کرد که در مجموع، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. باتوجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای الگو که برابر ۵ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در متغیرهای مستقل و کنترلی، بیش از ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. باتوجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر $1/774$ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمسبستگی میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد.

جدول ۷. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی	$-0/052$	$0/0254$	$-2/0510$	$0/041$
اندازه شرکت	$-0/015$	$0/0066$	$-2/221$	$0/027$
سن شرکت	$0/068$	$0/0273$	$2/486$	$0/013$
نسبت ارزش بازار به دفتری	$-0/001$	$0/001$	$-1/292$	$0/197$
بازده دارایی‌ها	$-0/006$	$0/001$	$-6/916$	$0/000$
درصد سهامداران نهادی	$0/043$	$0/037$	$1/184$	$0/237$
ضریب ثابت	$0/005$	$0/136$	$0/033$	$0/974$
ضریب تعیین		$0/157$		
ضریب تعیین تعدیل شده		$0/060$		
آماره F		$1/612$		
احتمال آماره F		$0/000$		
آماره دوربین واتسون		$1/774$		

فرضیه دوم، بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و محافظه‌کاری مشروط به روش بال و شیواکومار (۲۰۰۵) ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم، ضریب انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی برابر $0/052-$ و سطح معناداری برابر $0/041$ بدست آمده است، ضریب منفی انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی نشان دهنده آن است که با انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی محافظه‌کاری مشروط نیز کاهش خواهد یافت، در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

مطابق با جدول ۸، با توجه به مقدار آماره $F(4/024)$ و سطح خطای آن ($0/000$)، می‌توان بیان کرد که در مجموع، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. باتوجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای الگو که برابر ۳۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در متغیرهای مستقل و کنترلی، ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

باتوجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۸۱۵ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمسبستگی میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد.

جدول ۸. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۱۳۳	۰/۰۰۶	۲۲/۰۸۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۴۹	۰/۰۰۴	-۱۲/۴۰۱	۰/۰۰۰
سن شرکت	۰/۰۸۹	۰/۰۴۸	۱/۸۳۳	۰/۰۶۷
نسبت ارزش بازار به دفتر	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۲/۱۷۲	۰/۰۳۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۲۳/۴۹۷	۰/۰۰۰
رشد فروش	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۲/۰۲۰	۰/۰۴۴
جریان‌های نقدعملیاتی	-۰/۱۵۷	۰/۰۱۵	-۱۰/۳۱۳	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	۰/۳۱۸	۰/۱۲۹	۲/۴۶۳	۰/۰۱۴
ضریب تعیین		۰/۳۸۰		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۱۰		
آماره F		۴/۰۲۴		
احتمال آماره F		۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون		۱/۸۱۵		

فرضیه سوم، بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی به روش دچو و دی چاو (۲۰۰۵) ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه سوم، ضریب انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی برابر ۰/۱۳۳ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ بدست آمد، ضریب مثبت انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی نشان‌دهنده آن است که با انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی بخش بی‌کیفیت اقلام تعهدی افزایش خواهد یافت، در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

مطابق با جدول ۹، با توجه به مقدار آماره F (۱۴/۹۴۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان بیان کرد که در مجموع، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. باتوجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای الگو که برابر ۵۹ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در متغیرهای مستقل و کنترلی، بیش از ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. باتوجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۹۲۶ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمسبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد.

فرضیه چهارم، بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی به روش مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه چهارم، ضریب انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی برابر ۰/۰۱۷ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۸ بدست آمد، ضریب مثبت انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی نشان‌دهنده آن است که با انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی بخش بی‌کیفیت اقلام تعهدی افزایش خواهد یافت در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

جدول ۹. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۰۱۷	۰/۰۰۶	۲/۶۵۴	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	-۱/۹۳۳	۰/۰۵۴
سن شرکت	۰/۰۵۴	۰/۰۲۳	۲/۳۵۵	۰/۰۱۹
نسبت ارزش بازار به دفتر	-۰/۲۰۶	۰/۰۹۶	-۲/۱۴۹	۰/۰۳۲
بازده دارایی‌ها	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۹	۰/۰۳۳
رشد فروش	۰/۰۵۶	۰/۰۲۶	۲/۱۳۲	۰/۰۰۰
جریان‌های نقد عملیاتی	-۰/۵۶۷	۰/۰۲۱	-۲۶/۴۵۳	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	-۰/۰۲۹	۰/۰۴۵	-۰/۶۵۲	۰/۵۱۴
ضریب تعیین		۰/۶۳۶		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۹۳		
آماره F		۱۴/۹۴۶		
احتمال آماره F		۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون		۱/۹۲۶		

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و کیفیت سود (با مؤلفه‌های محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی) پرداخته شد. برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش چهار فرضیه تدوین گردید و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های ناشی از آزمون دو فرضیه اول و دوم حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین انحراف توجه و محافظه‌کاری مشروط دارد که به معنای این است که هرگاه سهامداران نهادی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های خود کم توجه شوند، میزان محافظه‌کاری مشروط کاهش می‌یابد و چون محافظه‌کاری مشروط یکی از معیارهایی کیفیت سود است، یعنی در اثر کم توجهی سهامداران نهادی و کم‌رنگ شدن نقش نظارتی آنان، کیفیت سود کاهش می‌یابد، زیرا فضا برای دستکاری افزایشی سود (که خواست مدیریت است) باز می‌شود. همانطوری که بارها در ادبیات کیفیت سود گفته شده، مدیران به طور طبیعی تمایل دارند وضعیت سودآوری شرکت را بهتر از آن چیزی که هست، نشان دهند زیرا افزایش در سودآوری شرکت منجر به افزایش مبلغ پاداش مدیران و ابقای موقعیت اداری و شغلی آنان می‌گردد که البته محافظه‌کاری مانع و برطرف کننده تمایل دستکاری افزایشی سود است. طبیعی است که سهامداران نهادی به واسطه قدرت، تخصص و جایگاه نظارتی خود قادر به کنترل تمایلات دستکاری افزایشی سود هستند و معمولاً هم به نحوی از توانایی خود استفاده می‌کنند که تمایلات بیان غیر صادقانه سود را خنثی نمایند، ولی چنانچه به دلایلی که قبلاً ذکر گردید دچار کم توجهی شوند و از نقش نظارتی خود غفلت نمایند، این غفلت و کم توجهی آنان منجر به بیدار شدن تمایلات دستکاری افزایشی سود نزد مدیران می‌شود و در نتیجه کیفیت سود تنزل می‌یابد.

یافته‌های حاصل از آزمون دو فرضیه سوم و چهارم نیز حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین انحراف توجه سهامداران نهادی و بخش بی‌کیفیت ارقام تعهدی است که معنای آن این است که در صورت کم توجهی یا بی‌توجهی از ناحیه سهامداران نهادی و کاهش نقش نظارتی آنان، ارقام تعهدی غیرنرمال (بخش بی‌کیفیت ارقام تعهدی) افزایش می‌یابد و در نتیجه کیفیت سود کاهش می‌یابد زیرا تمایل مدیران همواره بر دستکاری افزایشی سود و ارائه سود بی‌کیفیت و غیر صادقانه است و معمولاً استفاده از ارقام تعهدی غیر نرمال یکی از رایج‌ترین ابزارهای دستکاری افزایشی سود است. طبیعتاً در صورتی که سهامداران نهادی از جایگاه نظارتی خود به خوبی استفاده کنند، قادر هستند از ارائه سود دستکاری شده و بیان غیرصادقانه آن ممانعت نمایند ولی در صورتی که دچار غفلت و کم توجهی شوند، راه برای ایجاد ارقام تعهدی غیرعادی و ارائه سود غیر صادقانه مهیا می‌شود. با جمع‌بندی نتایج کلیه فرضیه‌ها می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در جامعه آماری پژوهش منطق فرضیه نظارت موثر نزد سهامداران نهادی مشاهده شده و این سهامداران تمایل به ارائه سود غیر صادقانه ندارند و مانع بروز رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت می‌شوند به عبارت دیگر به موازات کم توجهی سهامداران نهادی و غفلت آنان از مراقبت و نظارت بر رفتارهای مدیران، محافظه‌کاری مشروط و کیفیت ارقام تعهدی کاهش می‌یابد که به معنای کاهش کیفیت سود است. لازم به ذکر است نتایج این پژوهش، با پژوهش گارل و همکاران (۲۰۲۱)، پیوسیک و گنج (۲۰۲۰) و سعیدی و همکاران (۱۴۰۲) مطابقت دارد. با توجه به نتایج پژوهش به سهامداران بالقوه (خصوصاً سهامداران خرد) پیشنهاد می‌گردد حتی الامکان در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که درصد قابل توجهی از سهام آنان در اختیار سهامداران نهادی باشد زیرا این سهامداران، اهرمی موثر و اطمینان بخش نسبت به سلامت گزارشگری مالی تلقی می‌گردند. همچنین به حساب‌برسان پیشنهاد می‌گردد در تعیین ریسک حسابرسی به وجود یا عدم وجود سهامداران نهادی در شرکت‌های مورد رسیدگی خود توجه نمایند.

فهرست منابع

- بزرگ اصل، موسی، باباجانی، جعفر، امیری، میثم و جعفری خوشه مهر، اشرف. (۱۴۰۱). ارزیابی اثر اصول حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانک‌ها. *ماهنامه علمی جامعه شناسی ایران*، ۵(۱۲)، ۲۲۰۲-۲۲۲۳. doi: 10.30510/PSI.2022.312686.2561
- پورحیدری، امید، کیانی، علی، و براتی، فرید (۱۴۰۰). تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۲(۵)، ۱۰۰-۱۲۲. doi: 10.30486/FBRA.2021.1934745.1017
- حسینی، سیدعلی و رازانی، سارا. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۷(۲۷)، ۵۴-۶۷. doi: 10.22034/iaar.2015.103798

- سعیدی، مژگان، نیکومرام، هاشم، و یعقوب نژاد، احمد. (۱۴۰۲). اثر مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت گزارشگری مالی (آزمون نظارت کارا). فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۶)، ۱۰۷-۱۳۸. https://jik.srbiau.ac.ir/article_21506.html
- شمس‌الدینی، کاظم و نعمتی، میثم. (۱۴۰۰). بررسی رابطه پایداری مالکیت نهادی با مدیریت سود با لحاظ اهرم مالی شرکت. مجله دانش حسابداری، ۱۲(۴)، ۱۵۵-۱۷۷. doi: 10.22103/jak.2021.17123.3421
- کرمی، غلامرضا (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و محتوای اطلاعاتی سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۵(۵۴)، ۸۱-۱۰۰. doi: 20.1001.1.26458020.1388.16.1.6.1
- مشکی میاوقی، مهدی و محمدی، رویا. (۱۳۹۸). بررسی اثر محافظه‌کاری بر کیفیت سود مبتنی بر مرتبط بودن با ارزش و ضریب واکنش سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۲)، ۶۱-۷۴. doi: 10.22108/far.2019.116342.1438
- موسوی شیری، سید محمود، سبزی، صغری، و قدردان، احسان. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین استراتژی‌های تجاری شرکت و توانایی مدیریت در دوره بحران مالی با کیفیت سود. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۵)، ۸۰-۵۷. doi: 10.22034/IAAS.2023.172684
- ودיעی، محمدحسین، باقرپور ولاشانی، محمدعلی و سیفی قبادی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه تغییر مالکیت با کیفیت حسابرسی. مجله دانش حسابرسی، ۱۸(۲)، ۹۱-۱۰۶. <https://danesh.dmk.ir/article-1-1875-fa.html>
- ولی‌زاده لاریجانی، اعظم و حسنی، فهیمه. (۱۴۰۲). چرخش مدیرحسابرسی داخلی؛ کیفیت گزارشگری مالی و زمان رسیدگی حسابرس مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۰(۱)، ۱۹۱-۲۰۸. doi: 10.22059/ACCTGREV.2023.345880.1008707
- Adrian, C., Mostafa M. H. & Joye, K. (2020). Distracted institutional shareholders and corporate cash holdings. *Journal of Business Research*, 110(1), 347-359. doi: 10.1016/j.iref.2020.08.018
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of accounting and economics*, 39(1), 83-128. doi: 10.1016/j.jacceco.2004.04.001
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37. doi: 10.1016/S0165-4101(97)00014-1
- Bergstresser, D., & Philippon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of financial economics*, 80(3), 511-529. doi: 10.1016/j.jfineco.2004.10.011
- Bozorg Asl, M., Babajani, J., Amiri, M., & Jafari Khoshemehr, A. (2022). Assessing the effect of corporate governance principles on the financial health of banks. *Political Sociology of Iran*, 5(12), 2201-2223. doi: 10.30510/psi.2022.312686.2561 [In Persian]
- Bushee, B. J. (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. *The Accounting Review*, 73(3), 305-333. <http://www.jstor.org/stable/248542>
- Chan, D. K., Li, X., & Xin, Q. (2021). Institutional investor inattention and audit quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40(3), 106857. doi: 10.1016/j.jaccpubpol.2021.106857
- Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The accounting review*, 83(3), 757-787. doi: 10.2308/accr.2008.83.3.757

- Dai, L., Dharwadkar, R., Shi, L., & Zhang, B. (2017). The governance transfer of blockholders: Evidence from block acquisitions and earnings management around the world. *Journal of Corporate Finance*, 45, 586-607. doi: 10.1016/j.jcorpfin.2017.06.004
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77(s-1), 35-59. doi: 10.2308/accr.2002.77.s-1.35
- El Diri, M., Lambrinouidakis, C., & Alhadab, M. (2020). Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research*, 108, 291-306. doi: 10.1016/j.jbusres.2019.11.013
- García Lara, J. M., Osmá, B. G., & Neophytou, E. (2009). Earnings quality in ex-post failed firms. *Accounting and business research*, 39(2), 119-138. doi: 10.1080/00014788.2009.9663353
- Garel, A., Martin-Flores, J. M., Petit-Romec, A., & Scott, A. (2021). Institutional investor distraction and earnings management. *Journal of Corporate Finance*, 66, 101801. doi: 10.1016/j.jcorpfin.2020.101801
- Hosseini, S. A., & Razani, S. (2015). Investigation of conservatism on earnings quality in companies listed in Tehran stock exchange. *Accounting and Auditing Research*, 7(27), 54-67. doi: 10.22034/iaar.2015.103798 [In Persian]
- Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of accounting research*, 29(2), 193-228. doi: 10.2307/2491047
- Karami, G. (2009). The Relationship between Institutional Investors and Earnings Informativeness. *Accounting and Auditing Review*, 15(54), 81-100. doi: 20.1001.1.26458020.1388.16.1.6.1 [In Persian]
- Kempf, E., Manconi, A., & Spalt, O. (2017). Distracted shareholders and corporate actions. *The Review of Financial Studies*, 30(5), 1660-1695. doi: 10.1093/rfs/hhw082
- Li, Y., Li, X., Xiang, E., & Djajadikerta, H. G. (2020). Financial distress, internal control, and earnings management: Evidence from China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 16(3), 100210. doi: 10.1016/j.jcae.2020.100210
- Liu, C., Low, A., Masulis, R. W., & Zhang, L. (2020). Monitoring the monitor: Distracted institutional investors and board governance. *The Review of Financial Studies*, 33(10), 4489-4531. doi: 10.1093/rfs/hhaa014
- Meshki Miavaghi, M., & Mohammadi, R. (2019). Investigating the effect of conditional conservatism on earnings quality based on price value relevance and the earnings response coefficients. *Financial Accounting Research*, 11(2), 61-74. doi: 10.22108/far.2019.116342.1438 [In Persian]
- Mousavi Shiri, S. M., Sabzi, S., & Ghadrán, E. (2023). Investigating the Relationship Between the Company's Business Strategies and Management Ability in Times of Financial Crisis with Profit Quality. *Accounting and Auditing Studies*, 12(45), 57-80. doi: 10.22034/iaas.2023.172684 [In Persian]
- Piosik, A., & Genge, E. (2020). Earnings management prior to mergers and acquisitions: The role of acquirers' ownership structures. Evidence from Poland. *Procedia Computer Science*, 176, 1299-1311. doi: 10.1016/j.procs.2020.09.139
- Pourheidari, O., Chandeh, A. K., & Barati, F. (2021). Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms and Political Connections on Accounting Conservatism in Tehran Stock Exchange. *Financial and behavioral research in accounting*, 2(5), 100-122. doi: 10.30486/FBRA.2021.1934745.1017 [In Persian]
- Saeedi, M., Nikomaram, H., & Yaghoobnezhad, A. (2023). The Influence of Ownership of Investment Company on Financial Reporting Quality: A Test of Efficient Monitoring Hypothesis. *Journal of Investment Knowledge*, 12(46), 107-137. https://jik.srbiau.ac.ir/article_21506.html [In Persian]

- Shamsaddini, K., & Nemati, M. (2021). The Relationship between Institutional Ownership Stability and Earnings Management in terms of Corporate Financial Leverage. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(4), 155-177. doi: 10.22103/jak.2021.17123.3421 [In Persian]
- Shu, S. Q. (2021). CEO inside debt, income smoothing, and stock price informativeness. *Accounting and Business Research*, 51(1), 65-95. doi: 10.1080/00014788.2020.1798735
- Tam, T. M., Minh, L. Q., Khuyen, L. T., & Thanh, N. P. (2019). Earnings quality: Does state ownership matter? Evidence from Vietnam. In *Beyond Traditional Probabilistic Methods in Economics 2* (pp. 477-496). Springer International Publishing. doi: 10.1007/978-3-030-04200-4_35
- Vadiei, M. H., Bagherpour Valashani, M. A. & Seifi Qobadi, H. (2017). Investigating the relationship between ownership change and audit quality. *Journal of Auditing Science*, 18(71), 106-91. <https://danesh.dmk.ir/article-1-1875-fa.html> [In Persian]
- Valizadeh Larijani, A., & Hasani, F. (2023). Internal Audit Chief Turnover; the Quality of Financial Reporting and Audit Report Delay. *Accounting and Auditing Review*, 30(1), 191-208. doi: 10.22059/acctgrev.2023.345880.1008707 [In Persian]
- Ward, C., Yin, C., & Zeng, Y. (2017). Motivated Institutional Investors and Firm Investment Efficiency. *Johor: University of Reading*, 59.